روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۲۴۲ | چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ | ۱۳ شعبان ۱۴۴۶ | اذان ظهر: ۱۲:۱۹ |
غروب آفتاب: ۱۷:۴۳ | اذان مغرب: ۱۸:۰۲ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۲۹ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۳ |

خبر

سازمان اوقاف:

«آنتیک» شانه تخم مرغی و رکیک است

جای تأسف است که فیلمی تا این حد سطحی و بی‌ارزش ساخته می‌شود که نه تنها بر رونق سینمای ایران نمی‌افزاید، بلکه با برهم زدن جو هنری و فرهنگی جامعه باعث ریزش مخاطبان آن هم می‌شود.

با توجه به پایان یافتن چهل و سومین جشنواره فیلم فجر سازمان اوقاف و امور خیریه ضمن محکوم کردن محتوای فیلم «آنتیک» بیانیه‌ای در این زمینه صادر کرد.

در متن این بیانیه آمده‌است:

تقریباً هفته‌ای نیست که توسط عوامل ساخت یک فیلم سینمایی یا یک مجموعه تلویزیونی از روابط عمومی سازمان اوقاف و امور خیریه درخواست مجوز فیلمبرداری در فضای معنوی و معماری ایرانی ـ اسلامی چشمگیر یکی از امامزادگان و بقاع متبرکه نشود. این در حالی است که انتخاب فضای کالبدی امامزادگان به عنوان لوکیشن یا مکان فیلمبرداری به صورت کاملاً خودجوش از سوی فیلمسازان پیگیری می‌شود و سازمان اوقاف و امور خیریه هیچ مشوق یا تبلیغ خاصی در این زمینه در نظر نگرفته‌است. بنابراین رابطه نزدیک امامزادگان به عنوان یکی از پایگاه‌های معنوی، فرهنگی و اجتماعی با سینمای کشور رابطه‌ای دیرینه و ریشه‌دار و پرمعنی است و نشان از آن است که فیلمسازان برای روایت یک داستان که در بطن جامعه اتفاق می‌افتد به درستی مکانی را برمی‌گزینند که ملجا و پناهگاه مردمان این مرز بوم است. به قول سعدی: خرم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست/راحت جان و شفای دل بیمار آنجاست.

این بیانیه می‌افزاید: اما چندی است که با اکران فیلم سینمایی «آنتیک» در جشنواره فیلم فجر بحث‌هایی در زمینه داستان این فیلم و توهین به اصالت امامزادگان در فضای مجازی و رسانه‌ای کشور مطرح شده است که سازمان اوقاف و امور خیریه بر خود لازم می‌داند اجمالاً چند نکته مهم را در این زمینه گوشزد کند:

اولاً جای تأسف است که فیلمی تا این حد سطحی و بی‌ارزش ساخته می‌شود که نه تنها بر رونق سینمای ایران نمی‌افزاید، بلکه با برهم زدن جو هنری و فرهنگی جامعه باعث ریزش مخاطبان آن هم می‌شود. از نظر ما فیلم سینمایی «آنتیک» که به اذعان همه منتقدان فیلمی شانه تخم مرغی پر از لودگی و فقر طنز با داستانی تقلیدی و کاملاً بی‌ارزش و ملغمه‌ای از سخافت و رکاکت است، توهین به شعور مردم ایران محسوب می‌شود. مردم فهیم خاصه قشر مذهبی کشور آن قدر ساده نیستند که اصالت چنارهای چندصد ساله کنار امامزادگان را با نهالک‌های هرزه و جعلی بی‌برگ و بار هر بی‌سر و پایی یکسان بینگارند.

سازمان اوقاف در ادامه این بیانیه آورده‌است: ثانیاً حکایت محبوبیت و مرجعیت و زیارت امامزادگان و بقاع متبرکه در بین مردم ایران مربوط به امروز و دیروز نیست، بلکه ریشه در قرن‌ها پیش دارد، همین ریشه‌دار بودن آداب زیارت و این انس و الفت دیرینه است که به رغم همه تلاش‌های دشمنان، دور معنوی بقاع متبرکه در همه ادوار تاریخ بعد از اسلام بدون هیچ تزلزلی همواره در تسلسل بوده‌است. حضور میلیونی و روزافزون مردم در لیالی قدر، در ایام محرم، در لحظات تحویل سال و سایر مناسبت‌های ملی و مذهبی مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد.

آمار امدادها و دستگیری از فقرا و نیازمندان و کمک به حادثه‌دیدگان سیل و کرونا و حوادث غیرمترقبه دیگر که به طفیلی وجود پربرکت امامزادگان در همین چند سال اخیر انجام‌شده از فرط فراوانی قابل احصا نیست. گزارش دیگر فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و قرآنی امامزادگان نیز شرحی مبسوط دارد و در این مقال نمی‌گنجد.

ثالثاً سازمان اوقاف و امور خیریه ضمن محکوم کردن محتوای موهن فیلم «آنتیک» حق پیگیری قضایی و شکایت از سازندگان این فیلم را برای خود محفوظ می‌داند.

دفاع مقدس باز هم فجر را درخشان کرد

«شمال از جنوب غربی» و «پیشمرگ» در کنار «بچه مردم» به عنوان آثاری که می‌توان آنها را در ژانر دفاع مقدس دسته‌بندی کرد در جشنواره سی و چهارم نگاه‌ها را به خود جلب کردند

محسن وفایی/ ایرنا

احمد محمد تبریزی

جشنواره چهل و سوم فیلم فجر چند فیلم پدیده داشت که «شمال از جنوب غربی» و «پیشمرگ» در کنار «بچه مردم» با اقبال بیشتری از سوی داوران و مردم قرار گرفتند. تا پیش از شروع جشنواره کمتر کسی روی این فیلم‌ها حساب باز می‌کرد. چشم‌ها بیشتر حول محور فیلم‌های پر بازیگر و نام‌های بزرگ می‌چرخید و خیلی‌ها از این فیلم‌های بدون ادعا غافل بودند، اما اکران این فیلم‌ها در جشنواره نوید اتفاقات خوبی برای سینمای ایران داد.

فیلم شگفتی‌ساز جشنواره امسال «شمال از جنوب غربی» بود. فیلم به درگیری‌های اوایل دهه ۶۰ در شمال کشور می‌پردازد و تصویری متفاوت از آن سال‌ها در دل جنگل نشان می‌دهد. برای مخاطبی که عادت کرده جنگ را بیشتر در خاکریزهای جنوب ببیند، فیلم حمید زرگرنژاد خرق عادت می‌کند و جنگل‌های سرسبز شمال را به عنوان لوکیشن انتخاب می‌کند.

فیلم در کارگردانی و ساخت اثری تماشایی از کار درآمده‌است و همین باعث می‌شود تماشاگر دو ساعت پای فیلم بنشیند و آن را تا انتها تماشا کند. زرگرنژاد با «شمال از جنوب غربی» نشان داد قواعد ساخت فیلم‌های جنگی را به خوبی بلد است و می‌داند چگونه صحنه‌های فیلمش را باورپذیر بسازد.

قابلیت‌های هنری «شمال از جنوب غربی» از دید هیئت داوران دور نماند و آنها چندین سیمرغ به این فیلم دادند. این فیلم با ۱۲ نامزدی جزو رکورددارهای شب اختتامیه بود و در نهایت سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اصلی مرد و سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی به «شمال از جنوب غربی» داده شد تا این فیلم با دستی پر جشنواره را ترک کند.

تشکر از سردار مقواساز

«شمال از جنوب غربی» محصول بنیاد روایت فتح است و عوامل فیلم هنگام دریافت سیمرغ از تلاش‌های معاون فرهنگی سازمان جهت تلاش برای ساخت این فیلم تقدیر و تشکر کردند.

مصطفی زمانی پس از گرفتن جایزه بهترین بازیگر نقش اصلی مرد از سردار مقواساز تشکر کرد و گفت این فیلم در شرایط جنگی ساخته شد و اگر او به داد ما نمی‌رسید، این فیلم نیمه تمام می‌ماند

مصطفی زمانی پس از گرفتن جایزه بهترین بازیگر نقش اصلی مرد از سردار مقواساز تشکر کرد و گفت این فیلم در شرایط جنگی ساخته شد و اگر او به داد ما نمی‌رسید، این فیلم نیمه تمام می‌ماند.

پس از چند سال وقفه، سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران به جشنواره برگشت. این خبر خوبی برای جشنواره و طرفدارانش به حساب می‌آمد، چراکه این سیمرغ با رأی مستقیم مردم داده می‌شود و نظر مخاطبان در آن دخیل است.

«پیشمرگ» فیلم محبوب مردم

امسال با وجود فیلم‌های پرستاره و پربازیگر، فیلم «پیشمرگ» دیگر محصول بنیاد روایت فتح، سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را مال خود کرد تا یکی دیگر از شگفتی‌های جشنواره رقم بخورد.

«پیشمرگ» به سراغ زندگی یکی از شهدای مهجور و کمتر شناخته شده دفاع مقدس رفت. این فیلم به برهه‌ای از زندگی و مجاهدت شهید «سعید قهاری سعید» پس از دوران جنگ تحمیلی دفاع مقدس می‌پردازد و به خاطر کیفیت هنری و ساخت قابل‌قبولش مورد توجه منتقدان و مخاطبان قرار گرفت.

علی غفاری نشان داده توانایی خاصی در روایت قصه زندگی قهرمانان خاص و شاخص دفاع‌مقدس دارد. او در فیلم قبلی‌اش با نام «تک‌تیرانداز» رشادت‌های «عبدالرسول زرین» را به تصویر کشید؛ رزمنده‌ای که صدام برای سرش جایزه تعیین کرده‌بود و سربازان بعثی برای گرفتن جایزه، دنبال شهادت او بودند.

غفاری در نشست خبری فیلم نیز توضیح داد که فیلم سعی کرده بر واقعیت متعهد بماند و او برای ساختن این فیلم حدود یک سال در مورد شهید قهاری پژوهش کرده و کتاب «یادداشت‌های سعید» یکی از منابع آنها برای ساختن «پیشمرگ» بوده است.

«پیشمرگ» بدون ادعا و جار و جنجال فیلم محبوب مردم لقب گرفت و چقدر خوب که مردم از چنین فیلمی استقبال کردند. در میان فیلم‌های کمدی و اجتماعی، فیلم «پیشمرگ» انتخاب اول مردم بود و این نشان می‌دهد اگر فیلم‌هایی با سوژه دفاع مقدس به خوبی ساخته و پرداخته شوند، مردم آنها را دوست خواهند داشت.

«پیشمرگ» یکی از فیلم‌های خوش‌ساخت جشنواره امسال بود که سوژه خاص و شکل پرداخت به آن بسیار مورد توجه قرار گرفت. این فیلم را باید اثری قابل احترام، دوست‌داشتنی و خوش‌ساخت دانست که در زمان اکران هم می‌تواند مردم را به سینما بکشاند و حرف‌های زیادی برای گفتن داشته‌باشد.

همه «بچه مردم» را پسندیدند

دیگر فیلم پدیده و شگفتی‌ساز جشنواره چهل و سوم، «بچه مردم» است. «بچه مردم» به کارگردانی محمود کریمی با نامزدی در ۱۴ شاخه رکورددار بیشترین نامزدی در بخش سودای سیمرغ چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر شد. این فیلم سه سیمرغ برای تدوین، فیلمنامه و کارگردانی اول و یک دیپلم افتخار برای فیلمبرداری گرفت تا شب خوبی در اختتامیه داشته باشد.

فیلم‌های پدیده جشنواره چهل و سوم بدون سروصدا و حاشیه به جشنواره آمدند و تمام حرف‌شان را هنگام اکران زدند. فیلم‌هایی خوش‌ساخت که در نهایت دقت و حساسیت کارگردانانش ساخته شد و آنها ثمره تلاش‌شان را از هیئت داوران و مردم گرفتند.

تجربه امسال جشنواره فیلم فجر بار دیگر ظرفیت‌های سینمای دفاع مقدس و شخصیت‌های مرتبط با جنگ را جهت فیلمسازی نشان داد. اگر فیلم‌ها شکل درستی از پرداخت و ساخت را داشته باشند، می‌توانند به فیلم محبوب تماشاگران و منتقدان تبدیل شوند.

«صیاد»، «خدای جنگ»، «اسفند»، «اشک هور» و «بازی خونی» دیگر فیلم‌های دفاع مقدسی جشنواره بودند که مورد توجه مخاطبان قرار گرفتند. سینمای دفاع مقدس در سال‌های اخیر از رشد کیفی خوبی برخوردار شده و فیلم‌های خوش‌ساختی با سوژه قهرمانان جنگ ساخته می‌شود. سینمای دفاع مقدس به ژانر محبوب مردم تبدیل شده و آنها ارتباط خوبی با این فیلم‌ها می‌گیرند. این روند رو به رشد باید همین گونه حفظ شود تا این گونه سینمایی همچنان برای مخاطبان محبوب و تماشایی بماند.

نقد فیلم

وقتی مناسبتی‌ساز سابق با آنتیک نقاب از چهره برمی‌دارد

افشین علیار

اینکه چگونه فیلم آنتیک در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر راه پیدا کرده را باید از هیئت انتخاب پرسید! اثری که همسو با جریان اصلی سینماست، یعنی همان شبه‌کمدی‌های مبتذل و سخیف که حتی مخاطب عام هم نمی‌تواند آن را تحمل کند، حالا یکی از همین فیلم‌ها در جشنواره فیلم فجر که مهم‌ترین رویداد فرهنگی کشورمان است نمایش داده می‌شود. هادی نائیجی که روزگاری فیلم‌های مناسبتی و مذهبی می‌ساخت به کارگردانی فیلم کمدی روی آورده، فیلمی که تمام دار و ندارش پژمان جمشیدی است و این بدترین انتخاب کارگردان بوده، چراکه جمشیدی در این سال‌ها آنقدر بازی خودش را در فیلم و سریال‌ها تکرار کرده که دیگر قادر به ارائه نقش جدیدی از خودش نیست، یعنی تمامی مؤلفه‌های بازی او در سایر فیلم‌هایی که بازی کرده، تمام شده و حالا فقط خودش را می‌تواند تکرار کند که این یکی از مهم‌ترین آسیب‌های آنتیک است. البته فیلمنامه به شکل عجیبی ضعف‌های متعددی دارد و انگار کارگردان ایده یک خطی‌اش را به آنتیک تبدیل کرده، به همین دلیل تمامی ساختار فیلم با خدشه مواجه است، ایده‌اش را نمی‌تواند پردازش کند و فقط از همان الگوهای ساختاری دهه ۶۰ استفاده کرده که همین تکراری بودن جهان فیلم مخاطب را کلافه می‌کند. از سوی دیگر مخاطب چندین بار جمشیدی را در چنین موقعیتی دیده است که مهم‌ترین آن سریال زیر خاکی بود که جمشیدی در آن به دنبال گنج می‌گشت و حالا همان موقعیت را در بازی‌اش تکرار می‌کند. آنتیک از همان ابتدا بیشتر تمرکز بر ایجاد موقعیت‌های اروتیک و دیالوگ‌های چندپهلو دارد که به هیچ وجه نمی‌تواند مخاطب را بخنداند، چراکه حتی دیالوگ‌های چندپهلوی جنسی در آنتیک هم کلیشه‌ای است. دریغ از کمی نبوغ از سوی فیلمنامه‌نویس و کارگردان که بتوانند قصه‌ای خلق کنند و بسترسازی کمدی را گسترش بدهند، اما این را اضافه کنم که کارگردان استفاده نامتعارفی از اعتقادات مردم ایران کرده و موضوع آن ساخت یک امامزاده دروغین است که مردم یک روستا به آن اعتقاد پیدا می‌کنند، ولی غافل از اینکه این امامزاده توسط ابی و ولی ساخته شده برای سوءاستفاده مالی از مردم آن روستا! یعنی کارگردان مناسبتی و مذهبی‌ساز قدیم ما حالا نقاب از چهره برداشته است.

به نظر می‌رسد کارگردان سعی داشته با شکلی از کمدی حرف جدی بزند و سادگی مردم از یک امامزاده دروغین را گوشزد کند، اما راهش را اشتباه رفته است. اگر نائیجی از سبک و سیاق خودش دوری نمی‌کرد، می‌توانست همین ایده را با متر و معیار دیگری روایت کند، چراکه نیمه دوم آنتیک این پتانسیل را دارد که با جدیت به آن پرداخت شود، اما در شکل کنونی با یک اثر هدررفته مواجهیم که نگاه کارگردانش به گیشه بوده است، به همین جهت از بازیگران چهره کمدی استفاده کرده و در این میان تنها نکته‌ای که برای او جذابیت نداشته، فیلمنامه و چگونه کارگردانی بوده است. آنتیک یک اثر ناپخته است که نه روابط ایجاد می‌کند و نه قادر به ساختن جهان درون‌ژانری است. تمام تلاش فیلم برای خنداندن مخاطب تکرار مؤلفه‌های اینگونه از فیلم‌هاست. بنابراین زمانی که آنتیک را می‌بینیم، حتی تبسم ظریفی هم در صورتمان نقش نمی‌بندد. اتفاق اشتباهی که در سینمای ایران در حال افزایش است و ایجاد یک بحران کرده ساختن فیلم‌های کمدی به دست آدم‌های غیرمتخصص است، انگار فقط برای گیشه است که کارگردانان درام‌ساز به سمت ساخت چنین فیلم‌هایی می‌روند که بیشتر آنها ناموفق هستند، آنتیک هم یک فیلم ناموفق است که برگ برنده اشتباهی آن پژمان جمشیدی است که در اکران عمومی نمی‌تواند فروش چندانی داشته باشد.

موسیقی

حضور جدی بانوان موسیقی نواحی در موسیقی فجر

پیمان بزرگ‌نیا معتقد است جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر رویداد مهمی مانند ویترینی از موسیقی ایران طی سال است که در ابعاد گوناگون به آن پرداخته می‌شود.

پیمان بزرگ‌نیا، پژوهشگر موسیقی و عضو شورای انتخاب جشنواره بین‌المللی چهلم موسیقی فجر گفت: دغدغه من موسیقی نواحی ایران و اقوام ایرانی است و اعتقاد دارم اینگونه موسیقی، همان موسیقی ملی ایران است و این دو از هم جدا نیستند، چراکه موسیقی نواحی ایران، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ کشورمان است، اما طی این سال‌ها آنچنان که باید و شاید، به‌ویژه در بخش اجرایی به آن بها داده نشده است. بنابراین با توجه به ذائقه امروز موسیقایی کشورمان، ضرورت دارد به موسیقی نواحی و اقوام ایرانی نگاه جدی‌تری صورت گیرد و جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر فرصت بسیار خوبی برای این اتفاق است. پیمان بزرگ‌نیا که با فارس سخن گفته است، در ادامه صحبت‌های خود عنوان کرد: نکته دیگر اینکه دبیر، رئیس و مدیر اجرایی این دوره از جشنواره دغدغه‌مند موسیقی نواحی هستند و بی‌تردید امسال و در دور چهلم این رویداد، شاهد اتفاقات خوبی در موسیقی نواحی خواهیم بود.

بزرگ‌نیا اظهار داشت: ایده من این است در این دوره از جشنواره، یک تعداد از هنرمندان و گروه‌هایی که تریبون و فضایی برای اجرا ندارند، در این رویداد حضور پیدا کنند. کما اینکه در سال‌های ۹۵ و ۹۶ هم تلاش کردیم این اتفاق شکل بگیرد و تعدادی از گروهای موسیقی اقوام ایران که مخاطب‌پسند هستند، حضور پیدا کردند و در کنار آنها از پیشکسوتان آن منطقه هم به عنوان یک اتفاق خوشایند دعوت به عمل آمد. ناگفته نماند که پرداختن به جوان‌ها بسیار مهم است.

این پژوهشگر موسیقی، فعالیت بانوان در حوزه موسیقی نواحی ایران را دغدغه خود برشمرد و گفت: دیده شدن بانوان فعال این حوزه دغدغه من است و با توجه به انتخاب معاون هنری؛ خانم نادره رضایی که دغدغه فعالیت بانوان را دارند، این انتظار بیشتر شده است و جالب اینکه به همین میزان انگیزه بانوان نیز بیشتر شده و علاقه‌مندند در جشنواره شرکت کنند. بانوان با استعدادی که هم به اصالت‌ها می‌پردازند و هم تحصیلکرده موسیقی هستند. بنابراین این نوید را می‌دهم با حضورشان در جشنواره اتفاقات بسیار خوبی رقم بخورد.

حکمت

امام حسین علیه‌السلام فرمودند:

کسانی که رضایت مخلوق را به بهای غضب خالق بخرند، رستگار نخواهند شد.

(مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۳۹)

نما | حسین کشتکار

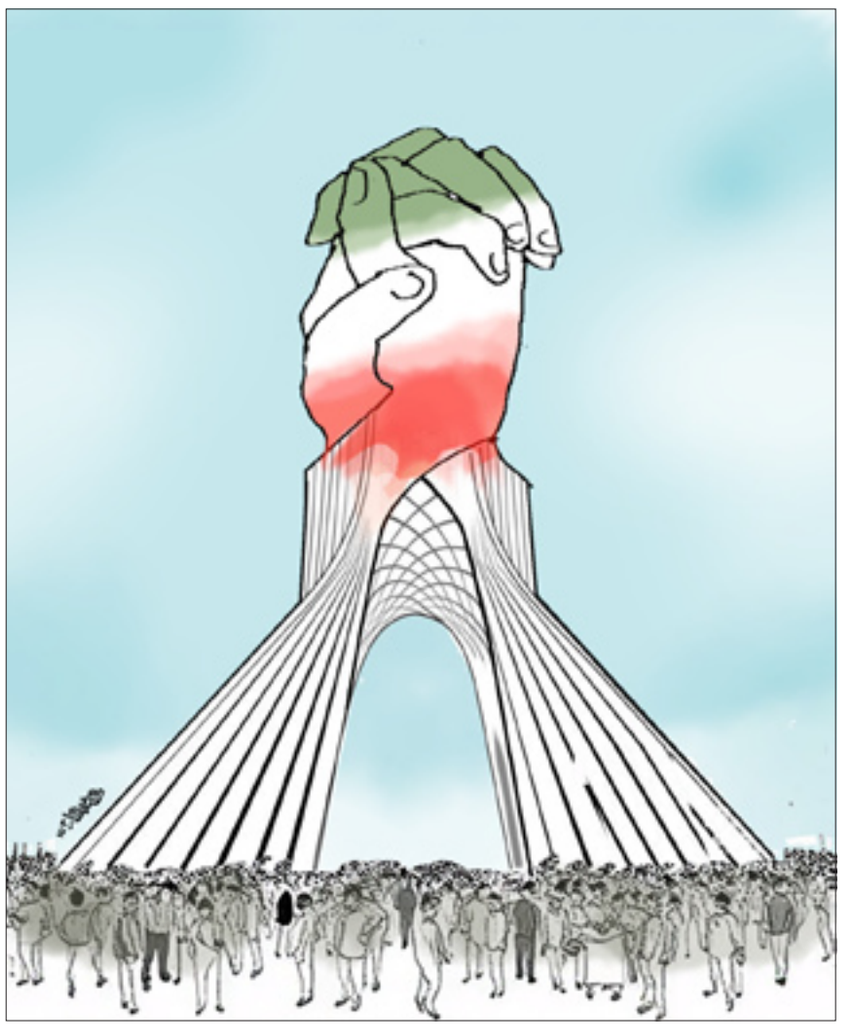

نگاه

گمشده «ناتور دشت» را می‌شناسید؟

سمیه دهقان‌زاده

«ناتور دشت»، عنوانی نام آشناست که این‌بار نه برای اشاره به رمان مشهور سلینجر که برای نام بردن از فیلمی با همین اسم در فجر ۴۳ از آن استفاده می‌شود و همین عنوان‌بندی کنجکاوی‌برانگیز است، اینکه این «ناتور دشت» ایرانی چه کم و کیفی دارد و در پی روایت چیست.

«ناتور دشت»، دارای فیلمنامه‌ای قرص و محکم است و رومتن داستان که ناپدید شدن یک دختر بچه را به تصویر می‌کشد با زیرمتن آن که هر یک از شخصیت‌ها به دنبال گمشده‌ای در درون خود هستند منطبق است، تطبیقی که خارج از تعلیق در مواقعی آزاردهنده فیلم، جهان داستان را بدون هیچ جغرافیای خاص و دقیقی به جهان درونی مخاطب گره می‌زند.

اما اگر از فیلم سینمایی «ناتور دشت» تازه‌ترین محصول سازمان سینمایی سوره بخواهید بدانید، فیلمنامه آن را سیدمحمدرضا خردمندان و حمید اکبری خامنه با الهام از یک حادثه واقعی که اخیراً در جامعه رخ داده، نوشته‌اند و خردمندان نیز کارگردانی آن را به عهده گرفته است.

فیلمنامه استخوان‌دار است و رومتن داستان که ناپدید شدن یک دختربچه به اسم یسنا - براساس ماجرایی واقعی که در اردیبهشت‌ماه امسال رخ داد- را به تصویر می‌کشد با زیرمتن آن که هر یک از شخصیت‌ها به دنبال گمشده‌ای در درون خود هستند، منطبق است.

تعلیق در جهان قصه و رفتار هر کدام از شخصیت‌ها عنصری است که مخاطب را تا سکانس‌های پایانی به دنبال خود می‌کشد، گرچه ابهام و گره‌ها یکی پس از دیگری که در دوسوم ابتدایی داستان ایجاد می‌شود، مدتی باعث سردرگمی مخاطب است، اما درست لحظه‌ای که مخاطب ممکن است عطای تماشای نیمه پایانی را به لقایش ببخشد، یکی‌یکی زخم‌های شخصیت‌ها، به‌ویژه «احمد پیران»، محیط‌بان بازنشسته و «آیهان» بر مخاطب معلوم می‌شود.

نکته مهم در شخصیت‌پردازی «ناتور دشت»، مهندسی معکوس اطلاعات و تصمیم نهایی شخصیت‌ها، به‌ویژه احمد است و جذاب اینکه شخصیت‌ها در این داستان سفید و سیاه مطلق نبوده و چه احمد و چه آیهان خاکستری وجودشان را در لحظات مختلف به تصویر می‌کشند.

اما پایان‌بندی، عدم دقت کافی به جزئیات در سکانس پر کردن قنات را می‌توان یکی از ایرادات فیلم قلمداد کرد که آن هم با اعمال تغییرات و یک پایان‌بندی شسته و رفته‌تر قابل اصلاح است و به‌طور کلی می‌توان بدون اغراق گفت فیلمنامه ناتور دشت صرف‌نظر از ایراد در جزئیات، یکی از کم‌خطاترین و قابل قبول‌ترین فیلمنامه‌هایی است که در این دوره از جشنواره براساس آن فیلمی ساخته و به نمایش گذاشته شده است. نکته‌ای که شاید ذائقه مخاطب عام که این روزها با آثار کم‌کیفیت و پررنگ و لعاب دلخوشند را کمی تغییر داده و طعم تماشای فیلم با داستانی محکم و جهان قصه‌ای ملموس را بار دیگر به آنها بچشاند.

اما «ناتور دشت» را فقط بار روایی داستان نیست که قابل پیگیری و تماشا می‌کند، بلکه فیلمبرداری و نورپردازی درخشان فیلم و رنگ‌های گرم آن و خرده‌کاه‌های پخش در هوا، قاب‌های واید چشم‌نواز از مزارع نیز در چشم‌نوازی و هویت بصری فیلم بسیار تأثیرگذار است.

در عین حال نشان دادن هر کدام از شخصیت‌ها در پشت فنس و حصار و میله و استفاده از این ابزارها برای نمایان کردن حصار فکری که هر کدام از شخصیت‌ها در جهان قصه با آن سروکار دارند نیز از نکات قابل تأمل این فیلم در نمای بصری است.

نکته دیگر که ارکان روایت را ظریف و با ضریب خطای بسیار کمی از بیرون‌زدگی خاص به هم وصل می‌کند، موسیقی سوار بر داستان است. موسیقی روستاگونه که «حامد ثابت»، آهنگساز فیلم آن را منطبق با روایت، شخصیت‌ها و لحظه‌لحظه بار روایی و جغرافیای جهان داستان ارائه می‌دهد و در مدیریت این فیلم پرسروصدا یاری‌بخش است، به‌طوری که فیلم گاهی با همین موسیقی از تماشای صرف عملیات برای یافتن دختربچه گمشده نجات پیدا کرده و به داستان اصلی می‌پیوندد و نکته قابل توجه استفاده هوشمندانه آهنگساز از صداهای محیطی از فریاد زدن نام دخترک توسط مردان و زنان گرفته تا صدای وزش باد و پر زدن پرندگان کمیاب وحشی در آسمان پس از آزادی است.

نکته دیگر در این فیلم سینمایی قابل توجه است، استفاده از المان‌های فیزیکی، به‌ویژه نمایش نقص است، هر کدام از شخصیت‌ها دارای نقصی ظاهری هستند. از زخم صورت بایرام و پای آسیب‌دیده مشهدجان تا پای زخمی اسب، اما از همه مهم‌تر روح زخمی احمد است که عذاب وجدانی عظیم او را رها نمی‌کند و تا تصمیم نهایی، کشمکش درونی آن را مخاطب عیان و جزء به جزء می‌بیند و روایت از یک خطی به روایتی لایه‌لایه تغییر جهت می‌دهد.

اما این روایت به مدد نقش‌آفرینی بازیگران فیلم است که می‌تواند تمام و کمال به بار بنشیند، چیزی که ما در «ناتور دشت» با بازی «هادی حجازی‌فر» در نقش احمد پیران، محیط‌بان بازنشسته و «میرسعید مولویان» در نقش آیهان، شاهد آن هستیم.

هر دوی این نقش‌ها خارج از لایه بیرونی پرهیاهویشان، لایه‌های درونی و روانشناختی خاص خود را دارند؛ احمد در درونش در حال مبارزه با خود است و از اشتباهاتش رنج می‌برد و در بیرون در پی جبران آن است، در حالی که همه او را امین، دوست داشتنی و فداکار می‌دانند، او خود چنین نظری ندارد و این در بازی حجازی‌فر کاملاً مشهود است.

در مقابل «میرسعید مولویان» است که در نقش آیهان، یک معتاد تازه ترک کرده و از دنیا بریده که هیچکس جز احمد به او اعتماد ندارد، می‌درخشد. او هم با کشمکش‌های درونی خود درگیر است و آن را در نحوه ادای دیالوگ‌ها، اکت‌ها به خوبی نشان می‌دهد، اما در این میان نباید از بازیگر خردسال فیلم که ایفاگر نقش «یسنا»ست به سادگی عبور کرد که حقیقتاً بازی خوبی را از خود ارائه داده و مهم‌تر از آن اینکه از او خوب بازی گرفته‌اند.

سینما

نرگس آبیار از شورای پروانه نمایش استعفا داد

نرگس آبیار کارگردان سینما با انتشار نامه‌ای از عضویت در شورای پروانه نمایش استعفا داد.

به گزارش مهر، نرگس آبیار کارگردان سینما با انتشار نامه‌ای خطاب به رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی از شورای پروانه نمایش استعفا داد.

متن نامه نرگس آبیار به شرح زیر است:

«با سلام و احترام

اینجانب نرگس آبیار با پذیرش عضویت در شورای پروانه نمایش، امیدوار بودم که روزنه‌ای برای گشایش در فضای فرهنگی و هنری کشور ایجاد شود. باور داشتم که می‌توان در مسیر تعامل، اصلاح و بهبود شرایط، نقشی مؤثر ایفا کرد و گامی در راستای سیاست‌زدایی از فرهنگ برای ایران برداشت، اما امروز، پس از دوره‌ای کوتاه فعالیت، به این نتیجه رسیده‌ام که موانع موجود بر سر راه نمایش و تولید آثار سینمایی همچنان پابرجاست و اراده‌ای جدی برای تغییر و حمایت از سینماگران مستقل و خلاق دیده نمی‌شود.

افزون بر این، به دلیل مشغله‌های کاری فراوان و حرفه‌ای، دیگر فرصتی برای پیگیری مستمر بی‌حاصل مسائل سینمایی ندارم و انگیزه‌ای برای چالش و مبارزه جهت اکران فیلم‌ها در این چارچوب محدودکننده باقی نمانده‌است. با توجه به اینکه فرهنگ و هنر همچنان گرفتار سیاست‌گذاری‌های محدودکننده است و امکان تأثیرگذاری واقعی در این چارچوب برای اینجانب فراهم نیست، بدین وسیله استعفای خود را از عضویت در شورای پروانه نمایش اعلام می‌دارم.

امیدوارم که در آینده، سینمای ایران بتواند با آزادی بیشتر و نگاه حمایتگرانه‌تر، به رشد و شکوفایی واقعی دست یابد. از همراهی تمامی همکاران و زحمات ایشان در این مدت سپاسگزارم و برایشان آرزوی موفقیت دارم.»